



راهبردها و اقدامهای نوین برای بهبود کیفیت زندگی مردم در مناطق روستایی

■ مقدمه

از زمان جنگ جهانی دوم در بسیاری از کشورهای در حال توسعه تلاشهای فراوانی جهت توسعه مناطق روستایی که زیستگاه جمع کثیری از فقیرترین مردم به حساب می‌آمد، صورت گرفت. در دهه ۱۹۵۰، حرکت عمران اجتماعی^(۱) به اوج شکوفایی خود رسید و به طور گسترده‌ای با حمایت‌های مالی ایالات متحده آمریکا و دیگر منابع، اعطای کمکهای مالی، مورد پذیرش بسیاری از کشورهای آسیایی قرار گرفت. در ابتدای دهه ۱۹۶۰، حرکت عمران اجتماعی، در بسیاری از کشورها متوقف شده یا به شدت رو به کاهش نهاده بود، به جز چند مورد استثناء اکثر کشورها در تحقق اهداف تعیین شده عاجز ماندند و به موفقیت نرسیدند. در این احوال و درست در زمانی که بحران اجتماعی رو به افول نهاده بود، انقلاب سبز^(۲) آغاز شد. انقلاب سبز، در بسیاری از کشورها ضمن دانستن برخی نواقص، نتایج مثبتی در افزایش تولیدات غذایی بدنیال داشت پس از انقلاب سبز، در دهه ۱۹۷۰، حرکت دیگری به نام «برنامه توسعه جامع روستایی»^(۳) آغاز شد که تا کنون ادامه دارد.

مقاله حاضر مروری است بر استراتژیهای مذکور، از دو جنبه تاریخی و جغرافیایی و در پایان، رهنمودهایی را که ممکن است در دهه‌های آینده در کشورهای آسیایی به کار آید، پیشنهاد می‌نماید. تجربه چهار دهه استراتژیهای توسعه روستایی

■ از : Jae - Ho Kim

■ مترجم : مهدی عرب زاده مقدم

«دانشجوی کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی»

سطح ملی و منطقه‌ای از برنامه‌های عمران اجتماعی برخوردار بودند. (Hodcraft - 1978). رهیافت مزبور بدین صورت تعریف شده بود:

«فرایندی که مردم یک نظام اجتماعی، خودشان برای برنامه‌ریزی، اجرا، تعریف و تعیین طرحها و نقشه‌های انفرادی و مشترک، تعیین نیازها، حل مشکلات، اجرای نقشه‌ها و طرحها با تأکید بیشتر بر منابع موجود محلی و تکمیل آن در صورت ضرورت با خدمات و مواد کمکی از دولت و نمایندگی غیر دولتی بیرون از جامعه، اقدام می‌نمایند». (USICA.1956) مراحل واقعی یک پروژه عمران اجتماعی در سطح روستا، در شکل ۱ به نمایش گذاشته شده است. پروژه از سطح توسعه روستا آغاز می‌شود و سپس به یک محدوده جغرافیایی وسیع‌تر گسترش و عاقبت با توسعه روستاها در سطح ملی ادامه می‌یابد.

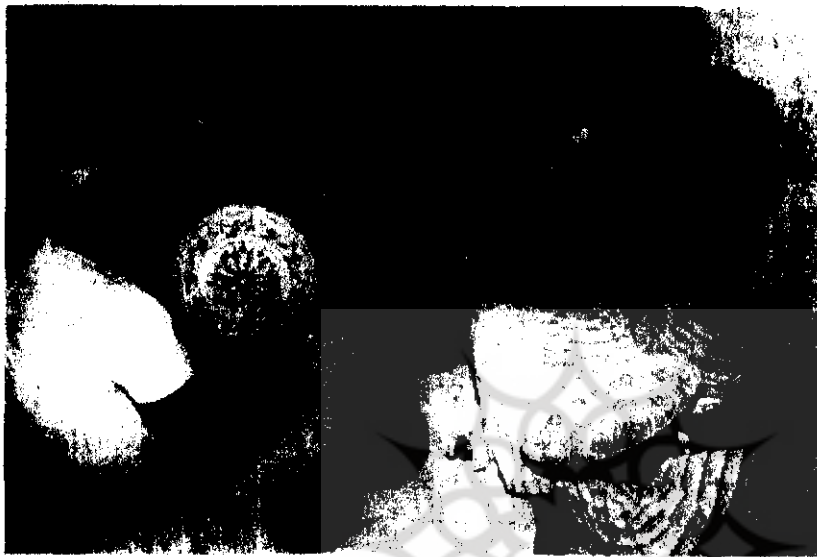
■ مردم در روستا

رهیافت عمران اجتماعی، تأکید بیشتری بر گروههای مردمی در یک جامعه دارد. تلاش در جهت

بسیار می‌نماید که کلید حل مشکلات در بالایش نئوریها نیست. بلکه در تغییر سازهایی است که یک محیط بی حمایت را^(۴) بوجود می‌آورند، حال چه به وسیله رفتار انتخابی مردم روستایی، چه با تعهدات مطلوب به توسعه روستایی باشد. البته خلق و ایجاد یک محیط حمایت شونده، نیازمند عوامل دیگری از قبیل: برنامه‌های اصلاحات ارضی، هزینه‌های غیر جهت‌دار عمومی، تشکیلات سازمانی غیر جهت‌دار (بی نغصب) و قدرت بخشیدن به ترویج و تحقیقات روستایی (نه الزاماً کشاورزی) با ارتباط مستقیم و مستحکم فیما بین است.

رهیافت عمران اجتماعی^(۵)

در طی دهه ۱۹۵۰، پروژه عمران اجتماعی، به عنوان یکی از رایج‌ترین و مردمی‌ترین استراتژیهای توسعه روستایی به طور گسترده در بسیاری از کشورهای در حال توسعه پذیرفته شد. در سال ۱۹۶۰، بالغ بر ۶۰ کشور در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، در



شکلی همکاریها، به عنوان راه حلی برای رفع مشکلات انسان، بیسند می‌شود. فرض بر این است که مردم در یک روستا و تحت نوعی رهبری خاص همراه با نوعی تصمیم‌گیری دموکراتیک می‌توانند از منابع موجود استفاده بهینه‌ای ببرند. رهیافت عمران اجتماعی، با این مفهوم، راه و روشی برای نیل به دموکراسی متکی بر ریشه‌های مردمی است. این رهیافت بیشتر متکی بر منابع انسانی است تا منابع فیزیکی.

■ رهبری روستایی

در رهیافت عمران اجتماعی، رهبری روستایی عامل ضروری به شمار می‌آید، رهبران مستلزم به راهنمایی مردم در زمینه‌های: - سازماندهی و برنامه‌ریزی، - به کارگیری دانش و فنون جدید کشاورزی و زندگی روزمره، - اجراء و ارزشیابی پروژه‌های طراحی شده، می‌باشند.

همچنین آنها زمینه مناسب جهت انتقال تجربیات گروه‌های مختلف به وسیله گردشهای مطالعاتی و علمی فراهم می‌آورند و نیز روستاییان را تشویق به فراگیری و یادگرفتن از نمونه‌های موفق به وسیله انتشار نتایج عملکرد آنان در روزنامه‌ها و گردهمایی‌ها می‌نمایند. جهت توفیق در عمران اجتماعی، رهبران روستایی باید وظایف معینی را بر عهده گیرند و نیز، دوره‌های آموزشی را طی کرده باشند. به طور کلی، آنها باید از اعتبار فراوانی در نزد مردم برخوردار باشند و ایستار و نگرش دموکراتیک و دوستانه‌ای نسبت به روستاییان داشته باشند و از ذهنی هوشیار و باز، خودجوش و مخلص در فعالیتهای عام‌المنفعه و ویژگیهایی از این قبیل برخوردار باشند.

■ نیازسنجی

رایج ترین روش نیازسنجی در رهیافت عمران اجتماعی، نظرسنجی است. از این طریق، اطلاعات مربوط به: ۱ - شرایط و موقعیت، ۲ - عقاید، باورها، ایستارها، مهارت‌ها، دانش و رفتار، ۳ - منابع موجود در تأمین نیازها را می‌توان بدست آورد. نظرسنجی اغلب توسط مروجین با استفاده از پرسشنامه انجام می‌گیرد و به نظر می‌رسد، روش مناسبی در تشویق و جلب

قوی بروکراتیک پیش‌نیازی برای عمران اجتماعی نیست و یک گروه فعال و خودجوش، نیازی به داشتن مأموران و متصدیان فراوان برای انجام وظیفه موفقیت آمیز ندارد. (Litteral - 1987)

■ برنامه‌ریزی و اجرای پروژه

در بیشتر موارد، فعالیتهای عمران اجتماعی از یک کار چند منظوره در سطح روستا آغاز می‌شود که چندین ماه را در دوره‌های ضمن خدمت یک انستیتو عمران اجتماعی گذرانیده است. در فرآیند برنامه‌ریزی، داده‌ها و اطلاعات به وسیله کارگران اجتماعی انتخاب می‌شوند و جهت بحث و تبادل نظر به روستاییان ارائه می‌گردند. مشارکت در تصمیم‌گیری، به عنوان مهمترین عنصر موفقیت، لحاظ شده است. فعالیت اصلی کارگران اجتماعی، تحریک و ایجاد انگیزه در روستاییان به تعامل آزاد پیرامون علایق و انگیزه‌های مشترکشان به حساب می‌آید. در هر حال، عملاً مشاهده شده که انتخاب پروژه مناسب به تنهایی وظیفه ساده‌ای برای روستاییان، شده است. بنابراین، دخالت تمام عیار روستاییان در تمام فرآیند توسعه، به اجرا و تسهیم فایده (سهام‌بری) محدود می‌شود و تصمیم‌گیری در برنامه‌ریزی و ارزشیابی توسط نخبگان محلی و کارگران روستایی به فراموشی سپرده می‌شود، و این

مشارکت روستاییان در ارائه اطلاعات باشد. لیکن در عمل، روستاییان احساس نمی‌کنند که در انجام مطالعه دخالت دارند. از جمله روشهای بهتر تشویق و جلب همکاری روستاییان، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

- ۱ - تعامل مستقیم با افراد و گروه‌ها.
- ۲ - ارزشیابی و بررسی درون جامعه‌ای.
- ۳ - مباحثات گروهی و کارگاههای آموزشی در تصمیم‌گیری
- ۴ - ارائه داده‌ها و اطلاعات
- ۵ - مشارکت گروهی در برخی پروژه‌های منتخب

■ سازمان

دو نوع سازمان عمده در عمران اجتماعی وجود دارد. که عبارتند از: واحدهای قبولی کارگزاران عمران اجتماعی و واحدهایی که در سطوح محلی، خود این کارگزاران برای انجام کار عمران تشکیل می‌دهند. واضح است که وجود نوعی واحد نیز برای مطالعه، برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های عمران اجتماعی ضروری می‌باشد. در موارد زیادی، سازمانهایی که کارگران به وجود آورده‌اند، به اندازه کافی کارآیی ندارند. این مشکل شاید به علت آن باشد که کارگران قبل از این که بدانند، مشکل چیست، سازماندهی می‌کنند. باید دانست که یک ساختار سازماندهی شده وسیع و

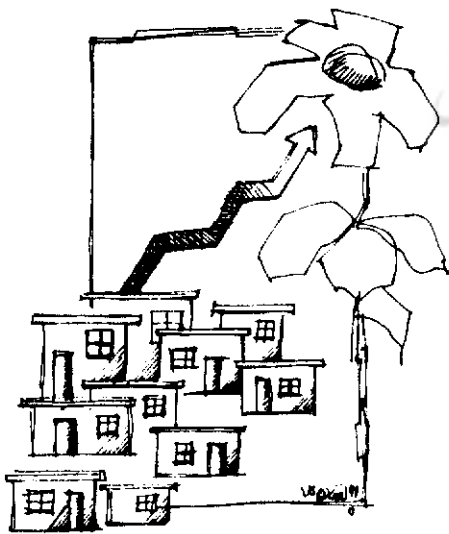
تلاشهای انگیزشی کارکنان عمران اجتماعی حتی توزیع مالکیت زمین بهره‌برداری به وسیله نخبگان روستایی، همگی باعث غیر کارآمد شدن استراتژی عمران اجتماعی می‌شود.

مشکل دیگر رهیافت عمران اجتماعی آن بود که خدمات اجتماعی را با سرعت بیشتر از تولید درآمد روستایی وسعت بخشید. به طور کلی، با وجود بعضی استثناها، در رفع فقر روستایی، تولید کم و توزیع غیر عادلانه در آمد به طور مشخصی بهبود نیافت. آنچه رهیافت عمران اجتماعی نیاز داشت، آن بود که بر افزایش بهره‌وری و درآمد تمرکز بیسنری داشته باشد تا تأکید صرف بر جنبه‌های اجتماعی استراتژی.

انقلاب سبز

نیاز به تلفیق تحقیق و ترویج کشاورزی با توسعه روستایی، توسط رابرت. ای چندلر (در سال ۱۹۸۲) پایه‌گذار مؤسسه بین‌المللی تحقیقات برنج^(۱) عنوان شد. وی اظهار می‌دارد: ابتدای دهه ۱۹۶۰ زمانی آغاز شد که برنامه عمران اجتماعی در آسیا با بهام و شیفات زیادی مواجه بود که این خود معلول عدم کارایی اقتصادی آن بود. چندلر ذکر می‌کند:

«کار توسعه روستایی، در بزرگترین حالت خود، توسط بنیاد فورد و در هند انجام گرفت و از سال ۱۹۵۱ آغاز شد. برنامه‌های بنیاد به دو علت انسان‌گرایانه و ژئوپلیتیک، بدان علت که رشد سریع جمعیت و ارتباط آن با عرضه غذا در شمال و شمال شرق آسیا به اجرا در آمد، ژئوپلیتیک می‌توانست منجر به گرایش



جمهوری، کمیته مرکزی عمران اجتماعی را تأسیس کرد. ۲- می ۱۹۶۱: دایره عمران اجتماعی در وزارت عمران و آبادانی تأسیس شد.

۳- ژوئای ۱۹۶۱: دفتر عمران اجتماعی به وزارت جنگل و کشاورزی انتقال یافت.

۴- آوریل ۱۹۶۲: دفتر عمران اجتماعی به شاخه راهنمایی اجتماعی دفتر توسعه روستایی منتقل شد.

۵- می ۱۹۶۵: شاخه راهنمایی اجتماعی در دفتر توسعه، به شاخه عمران اجتماعی و شاخه جوانان روستایی تبدیل شد.

۶- می ۱۹۸۱: شاخه عمران اجتماعی متوقف شد و برنامه را شاخه برنامه‌ریزی ترویجی IDRD ادامه داد.

در فلیپین عمران اجتماعی با معاون ریاست جمهوری^(۲)، از سال ۱۹۵۵ به کار گرفته شده بود. در سال (۱۹۷۳) P.A.C.I.D. به اداره عمران اجتماعی^(۳) وزارت دولت محلی تغییر پیدا کرد. با تغییر در تأکید حمایت عمومی در مدیریت دولتی، CID به عنوان یک برنامه محدود به آرامی رو به زوال می‌رفت. (Trenton 1989) در هند از سال ۱۹۵۲، برنامه عمران اجتماعی، حمایت فراوانی از بنیاد فورد و نمایندگیهای حمایتی خارجی ایالات متحده آمریکا دریافت می‌نمود. برنامه‌ها، بسیار جاه‌طلبانه بود و به عنوان اولین نمونه برای دیگر کشورهای آسیایی به شمار می‌رفت. (Hodderatt 1978) به تدریج حرکت CID در سایر کشورها رو به تضعیف نهاد، در همین احوال نمایندگی حمایتی خارجی ایالات متحده، سیاست و خط منحنی خود را به سمت استراتژی نوینی به نام انقلاب سبز تغییر داد.

به نظر می‌رسد که مروجین و دیگر کارگزاران در سطح روستا، خود را در صف نخبگان قلمداد می‌کردند و فزون بر آن، خود را عاملی در تقویت حیات اقتصادی و ساختار قدرت اجتماعی در روستا بر می‌نمودند. لذا، بوجه کمی به تأمین و انتقال منافع برنامه‌های عمران اجتماعی به مناطق فقیر روستایی متذول می‌شد. بنابراین، اکثر روستاییان واکنش کمتری به عمران اجتماعی نشان می‌دادند. شاید کوه به خاطر وجود همگنی در میان بهره‌برداران از اراضی، از جمله استثناها باشد.

سیاست عمران اجتماعی غیر مؤثر بوده است. چرا که در بیشتر کشورهای در حال توسعه، برخوردهای اساسی فکری به قدری ریشه‌ای و عمیق است که نمی‌توان آنها را به سادگی حل نمود. آن هم صرفاً با

دلیل و توضیحی بر آن است که چرا اکثر فعالیتهای عمران اجتماعی به زودی متوقف یا رو به کاهش می‌نهند.

بازخورد و ارزشیابی پروژه‌ها

به محض این که پروژه‌ای با موفقیت در سطح روستا به پایان می‌رسد، در مردم آن روستا حس غرور، اطمینان و اعتماد به نفس و انگیزه مشارکت بدیدار می‌شود. در تمامی موارد فوق، ارزش پروژه را سه ملاک ذیل تعیین می‌کنند.

۱- اثر بخشی^(۴) چگونه اهداف مورد نظر تحقق یافته، چه چیزی و چگونه به پایان رسیده است؟

۲- کارایی^(۵) آیا تعهدات انجام شده متناسب با منابع مصرف شده، اعم از مادی و نیروی انسانی بوده است؟

۳- اهمیت^(۶) مشارکت کنندگان یا انجمنهای شرکت کننده به عنوان یک کل، چه ارزشی داشتند. آیا پروژه به مقدار کافی اهمیت داشت که از منابع استفاده شود؟

پس از تعیین ارزش سروره، وقت آن است که برسیده شود، زمان ادامه، تغییر و به پایان رسانیدن پروژه چه هنگام است. مدت زمانی که در رهیافت CID به کار گرفته می‌شود، در نمودار شماره ۲ نشان داده شده است. فرآیند ارزشیابی، در ۴ زیر فرآیند معرفی شده است: محتوی، نهاد، ستاده، فرآیند. هر یک از این زیر فرآیندها، به تنهایی با مجموعه‌ای از مسائل و مشکلات، برنامه‌ریزی، سازماندهی، اجرا و بازخورد ارتباط دارد.

یک ارزیابی

حرکت عمران اجتماعی بدون در نظر گرفتن قابلیت و توانایی بالای آن در توسعه روستایی، به تدریج در بسیاری از کشورهای در حال توسعه رو به تضعیف نهاده است، حتی در مورد جمهوری کوه، که در آن عمران اجتماعی به نسبت خوب اجرا شده و موفق بوده است. سازمان حمایت مرکزی، کوچک و کوچکتر شد، به طوری که می‌توان آن را در تاسیس زیر خلاصه کرد.

۱- سپتامبر ۱۹۵۸: نمایندگی ریاست

کشورهای در حال توسعه به اردوگاه کمونیست گردد و انسان‌گرایی، بدان علت که چشم‌انداز رو به افزایش تعداد مردم گرسنه و حیطة فقر به خوبی نمایان بود» برنامه به نوعی خودگردان بود و روستاییان را تشویق می‌نمود تا شرایط زندگی خویش را با تلاش ارتقاء بخشند. با فرض بر تکنولوژی پیشرفته، برنامه اجرا می‌شد. حتی تکنولوژی تولید کشاورزی اغلب برای بکارگیری در تمام مراحل عمرانی اجتماعی موجود در دسترس بود و تنها به یک برنامه آموزش بزرگسالان نیاز داشت که با موفقیت به کار گرفته شود. متأسفانه، در نواحی ویرانه‌ای، ترویج کشاورزی نه تنها به طور نا عادلانه به کشاورزان کمک می‌کرد (به خاطر فقدان آموزش و تجربه)، بلکه، مهارت‌های بیسرفته عملاً قادر به افزایش بازده آنان نبود. وضع بد کشاورزان هندی، به رغم کار فراوان اجتماعی، ضرورتاً بدون بیسرفته باقی می‌ماند.»

■ آموزش و تحقیق منمركز

واژه انقلاب سبز، به عنوان رشد سریع گندم و جو در کشورهای در حال توسعه تعریف شده بود. که با کشت واریته‌های بیسرفته، همراه با به کارگیری گسترده کود و نهاده‌های شیمیایی و به وسیله خدمات ترویجی صورت می‌گیرد. قبل از برنامه انقلاب سبز، در بیشتر کشورهای تولید کننده گندم و جو، تعداد اندکی از متخصصین آموزش دیده مجرب، در تولید محصولات غذایی اساسی، به چشم می‌خورد. تسهیلات و بودجه تحقیق بسیار ناکافی بود، اما در هر حال، آنها را قادر ساخت تا تکنولوژی پیشرفته مورد نیاز را برای افزایش بازده گسترش دهند.

مطالب فوق‌الذکر به این نکته اشاره دارد که یک تعادل به کیفیت بالانظم درونی و برنامه تخصصی کالا نیاز دارد و تنها با حمایت مالی برای یک دوره طولانی کافی، بهره‌برداری کامل از امکانات، افزایش بازده را میسر می‌سازد.

در سال ۱۹۶۳، آقای چندلر بعد از اولین مدیر IIRRI^(۱۱)، در مقاله‌ای در کمیته بین‌المللی برنج، مهمترین اهداف تحقیق برنج را در دهه ۱۹۶۰ بیان کرد. وی اظهار داشت: که بیشترین دانشمندان برنج از میزان کم بازده محصول در تجربیاتشان آشفته نیستند. وی سپس می‌نویسد:

«... آنها آشفته می‌شوند از خواندن مقالات سازمانهای آموزشی و تحقیقی که در کار برنج تجربه دارند و آمار تولید خود را از ۱۵۰۰ به ۳۰۰۰ کیلوگرم در

هکتار گزارش کرده‌اند و تاکنون هیچ دلیلی برای این پایین بودن بازده اظهار نکرده‌اند. تولید غلات نیز، نظیر رشد برنج است»

در این ضمن، SYMMYT^(۱۲) واریته‌های کوتاه، سفت ساقه، واکنش بذیر نسبت به کود و مقاوم به بیماری‌ها را که به طور چشمگیری در میزان تولید افزایش ایجاد کرده بود، تولید کرد. (قابل استفاده نه تنها در مکزیکو بلکه در هند و پاکستان). نتیجه این موفقیت‌ها منجر به دریافت جایزه نوبل توسط نورمن ای بورلوق Norman E. Borlaug در سال ۱۹۷۰ و دریافت جایزه علمی یونسکو توسط IRRI و SYMMYT شد.

واریته برنج IR8 ایجاد شده توسط IRRI، همراه با واریته‌های بدون گندم SYMMYT یکی از بوطرف کننده‌های موانع و مشکلات کشاورزی به حساب می‌آمدند که موج بزرگی از خوش بینی‌ها در اواخر دهه ۱۹۶۰ در ارتباط با توانایی تغذیه میلیونها گرسنه در کشورهای در حال توسعه ایجاد کرد. عموم مردم این واقعه را به نام انقلاب سبز می‌شناختند.

■ اثرات

هرت و کوبل (Herd and couple 1982)، چنین برآورد می‌نمایند که واریته‌های نوین برنج، ۲۷ میلیون تن به تولید برنج در ۸ کشور در سال ۱۹۸۰ افزوده است. ۲۹ میلیون تن دیگر اضافه عملکرد نانی از به کارگیری کودها و ۳۴ میلیون تن اضافه، نانی از بهره‌گیری از روشهای مدرن آبیاری بوده است. در طی بیست سال، مؤسسات تحقیقات بین‌المللی به مرکز خانواده گسترده متخصصین برنج تبدیل شد (چندلر در سال ۱۹۸۲). تیم برجسته‌ای از متخصصین بین‌المللی در IRRI^(۱۳)، همراه با مرکز تحقیقات ملی در کشورهای در حال توسعه ایجاد شد و برنامه‌ها و کارگاههای آموزشی را از طریق تعاونیهای چند شعبه‌ای و پروژه‌های تحقیقی - ترویجی به اجرا درآوردند. این فعالیتها سبب افزایش تولید برنج بسیاری از کشورها شد. در هند تولید غلات به طور متوسط، ۴۷ درصد در بین سالهای ۱۹۵۲ تا ۱۹۶۴ و ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۸ افزایش یافت. همچنین در جمهوری خلق کره، تولید برنج در آخرین سه دهه، تقریباً دو برابر شد.

کل تولید سالانه برنج در کره در سال ۱۹۶۰، حدود سه میلیون تن بود. تولید افزایش یکنواخت برنج در حدود ۳/۹ میلیون تن در سال ۱۹۷۰ بود. در

هر صورت، هنگام تولید واریته جدید تانکیل (Tangkil)، تولید برنج رو به کاهش نهاد (جدول یک) در سال ۱۹۷۷ در حدود ۶ میلیون تن برنج اسباب شده، تولید شد که ۵۴ درصد کل تولید به وسیله واریته‌های جدید تأمین شد. بازده سالانه برنج در هر هکتار، تنها به ۲۹۰ کیلوگرم در سال ۱۹۶۰ افزایش یافت. اما این مقدار به ۳۲۲/۴ کیلوگرم در هکتار بعد از سال ۱۹۷۴ افزایش پیدا کرد یعنی هنگامیکه کشاورزان آغاز به واریته‌های نوین برنج نمودند.

تولید برنج در گذشته، قادر به برابری با رشد جمعیت و تأمین آن نبود، اما، در سال ۱۹۷۵، برنج خود به تنهایی قادر به تأمین غذای مورد نیاز شد و در سال ۱۹۷۸، مازاد تولید برنج، مشاهده می‌شد. در آن سال رکورد جدیدی در بازده تولید برنج به دست آمد. ۴/۹۴ میلیون تن بر هکتار ۱۱ درصد، بیشتر از رکورد قبلی رانیه‌ها، که ۴/۲۷ میلیون تن بر هکتار در سال ۱۹۷۵ تولید کرده بودند. برنج برای بیشتر کردی‌ها به معنی خودکفایی بود تا رشد ساده متعادل (مبادلات) تجاری. جنبه‌های تاریخی برنج، به عنوان سمبل در زندگی کرده‌ایها بود و به دست آوردن برنج کافی برای خوردن، جوانگوی نامین داخل بود. مدت زمانی دراز نگذشته بود که مردم به هنگام مواجهه با یکدیگر، این جمله را به کار می‌بردند: «آیا شما برنج دارید؟» اکنون دوران طلایی تولید کافی برنج، با اجرای موفقیت آمیز برنامه‌های انقلاب سبز به پایان رسیده است.

■ کوتاهیها و دلالتها

مادامی که این سؤال که فن‌آوری جدید (تکنولوژی مدرن) کشاورزی چه نقشی در بهرهوری کشاورزی داشته است، وجود ندارد. برخی از کاستیهای انقلاب سبز عبارت هستند از:

۱ - انقلاب سبز با انقلاب غلات، عموماً بر تسیب و فراز بوده و برای بسیاری از گروههای نواحی روستایی به عنوان راهی میانبر خدمت کرده است.

۲ - معرفی واریته‌های نوین نیازمند تکنولوژی (فن‌آوری) جامع‌تری است. موفقیت در تواناییهای تولید، مستلزم عرضه کنترل شده آب، کود و کنترل آفات است. همچنین واریته‌های ویژه باید متناسب با شرایط محیطی معین، تطبیق داده شوند.

جدول ۱ تولید سالانه برنج از سال ۱۹۶۰ در کره

سال	مقدار تولید (میلیون تن)	بازده
1960	3,046,608	2.73
1961	3,462,624	3.08
1962	3,014,928	2.66
1963	3,758,112	3.27
1964	3,954,128	3.54
1966	3,919,248	3.23
1967	3,603,168	2.97
1968	3,195,360	2.81
1969	4,090,464	3.39
1970	3,939,264	3.30
1971	3,997,784	3.37
1972	3,987,264	3.44
1973	4,111,712	3.58
1974	4,144,848	3.71
1976	5,124,960	4.33
1977	6,005,664	4.94
1978	5,797,151	4.74
1979	5,564,880	4.53
1980	3,550,320	2.89
1981	5,506,040	4.16
1982	5,175,072	4.38
1983	5,104,176	4.42
1984	5,681,808	4.63
1986	5,606,784	4.54
1987	5,492,800	4.36
1988	6,060,960	4.98

منبع: وزارت سیلات، جنگل و کوه‌داری

اراضی، تقویت سیاستهای حمایتی و اهداف توسعه جامع وجود دارد. (UNKISHD 1974)

■ توسعه جامع روستایی

توسعه روستایی عبارت از چندین جنبه است: اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و زیست‌محیطی. در دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰، توسعه روستایی در کره جنوبی به سرعت پیشرفت کرد. این امر به دلیل سرمایه‌گذاریهای کلان دولتی و خصوصی در بخشهای مختلف روستایی بود. در سال ۱۹۶۰، بودجه دولتی برای توسعه روستایی ۱۰۰ میلیارد وون بود که به ۱۰۰۰ میلیارد وون در سال ۱۹۷۰ رسید. این سرمایه‌گذاریها شامل ساختن جادهها، مدارس، مراکز بهداشتی، مراکز خدمات اجتماعی و مراکز خدمات بهداشتی بود. همچنین، برنامه‌های توسعه روستایی شامل آموزش، بهداشت، خدمات اجتماعی و خدمات رفاهی بود. در سال ۱۹۷۰، بودجه دولتی برای توسعه روستایی ۱۰۰ میلیارد وون بود که به ۱۰۰۰ میلیارد وون در سال ۱۹۷۰ رسید. این سرمایه‌گذاریها شامل ساختن جادهها، مدارس، مراکز بهداشتی، مراکز خدمات اجتماعی و مراکز خدمات رفاهی بود. همچنین، برنامه‌های توسعه روستایی شامل آموزش، بهداشت، خدمات اجتماعی و خدمات رفاهی بود.

در سال ۱۹۶۰، بودجه دولتی برای توسعه روستایی ۱۰۰ میلیارد وون بود که به ۱۰۰۰ میلیارد وون در سال ۱۹۷۰ رسید. این سرمایه‌گذاریها شامل ساختن جادهها، مدارس، مراکز بهداشتی، مراکز خدمات اجتماعی و مراکز خدمات رفاهی بود. همچنین، برنامه‌های توسعه روستایی شامل آموزش، بهداشت، خدمات اجتماعی و خدمات رفاهی بود. در سال ۱۹۶۰، بودجه دولتی برای توسعه روستایی ۱۰۰ میلیارد وون بود که به ۱۰۰۰ میلیارد وون در سال ۱۹۷۰ رسید. این سرمایه‌گذاریها شامل ساختن جادهها، مدارس، مراکز بهداشتی، مراکز خدمات اجتماعی و مراکز خدمات رفاهی بود. همچنین، برنامه‌های توسعه روستایی شامل آموزش، بهداشت، خدمات اجتماعی و خدمات رفاهی بود.

حکومتی مستقر در کره جنوبی به منظور تسهیل محدود نمودن آن کسانی است که انحصار پذیرای بیشتری در موقعیت‌های مالکیتی و اجتماعی دارند. که نتیجه آن افزایش اکثریت فقیر است. ۵- مادامی که این تصور که انقلاب سبز منتج به عدم تعادل در درآمد و توزیع سرمایه و داراییهای گسترش فقر در روستاست، وجود داشته باشد، نیاز به تغییر در سیاستهای ملی، ایجاد آرامش و صلح با توزیع تکنولوژی مدرن کشاورزی شامل بر اصلاحات

۳- و ریشه‌های عمیق بیست در نواحی که از امکانات بیسوی برخوردار بودند و نیز، نواحی سرب معرفی شدند، ترویج به طور گسترده، سازماندهی دقیق مستمر و سرمایه‌گذاریها در پیشرفت بهبود اراضی، آبیاری، بذر و کود و سموم، تولید و توزیع عادلانه، جاده برای تجارت، تسهیلات ذخیره و انبارداری، آموزش و تمهیدات مشابه خواهد بود. ۴- در جایی که نابرابریهای جدی وجود دارد و شرایط روستایی اغلب مطلوب نیستند، هدایت به یک

■ مؤسسات گروههای هدف

چنانچه به بهره‌برداران سازماندهی شده، به عنوان یک مکانیزم دریافت، توجه نمایم. آنها قادر خواهند شد، با بهره‌گیری از اهرمهای فشار، دعوی مؤثرتری برای مکانیزمهای تحویل در بخش عمومی و تا حدودی در بخش خصوصی اظهار نمایند. سئوهای عمومی سازمانهای مردمی عبارتند از: تعاونیها، سازمانهای کارگران روستایی و گروههای کوچک غیر رسمی.

تعاونیهای روستایی نقش مشخص را در کشورهای توسعه یافته ایفا می‌نمایند. این در حالی است که در اکثر کشورهای در حال توسعه، تعاونیها هنوز در دوران ابتدایی خود بسر می‌برند. سازمانهای کارگری روستایی، با حمایت سازمان بین‌المللی نیروی کار، توسعه یافته و به طور فزاینده‌ای، در امور مربوط به مناسب سازی شرایط محیط کار و دستمزدها، پیشرفت کرده‌اند. آنها بیشتر اعضای خود را تحت حمایت‌های مختلفی، از قبیل: مشاوره‌های قانونی، حمایت‌های فنی و مالی قرار داده‌اند. و حتی در بعضی موارد، (نظیر آمریکای لاتین) برنامه‌های بزرگی همچون نهضت اصلاحات ارضی را اجرا کرده‌اند.

گروه‌های کوچک غیر رسمی، معمولاً در ارائه خدمات اجتماعی، ایجاد فرصت‌های اشتغال و افزایش سطح درآمد، مشارکت داشته‌اند. گروه‌هایی نیز به عنوان مکانیزم دریافت، جهت ارائه خدمات و نهادهای خدمت می‌کرده‌اند.

سازمانهای غیر دولتی^(۱۳) نقشهای بارزی را در

تحریک‌های اجتماعی و آموزش مردم روستایی ایفا کرده‌اند. به عنوان مثال، در سری لانکا، چند صد سازمان غیر دولتی، به طور فعال در امر توسعه روستایی دخالت دارند. در بنگلادش، سازمان غیر دولتی پروشیکا^(۱۴) (NGO Proshika)، در بیشتر تحولات مربوط به فقر زدایی روستایی، فعالیت‌های فراوانی داشته‌اند (با تاکید بر توزیع مجدد منابع). این نکته را همواره باید در نظر داشت، مادامیکه مردم روستایی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، مورد حمایت منابع بیرونی قرار گیرند، خود به خود به سمت وابستگی به کمک‌های مالی خارجی هدایت می‌شوند. (قانو ۱۹۸۹)

■ هماهنگی

از آنجایی که برنامه‌های توسعه جامع روستایی، در برگزیده فعالیت‌های نمایندگیهای متعددی است که در امر توسعه روستایی دخالت دارند، هماهنگی میان اجزاء و دنیایی به یکپارچگی، جهت نیل به اهداف برنامه‌ها، ضروری است. در تابنده، شورای تأمین و کمیته ملی توسعه روستایی دفتر نخست‌وزیری، کلیه فعالیت‌های نمایندگیهای مشترک در امر توسعه روستایی را هماهنگ می‌نماید. در هند، نمایندگی توسعه روستایی... ناحیه‌ای سازمان کلیدی در ایجاد هماهنگی به حساب می‌آید. DRDA از گروه‌های چند ضابطه‌ای کارمندان تشکیل شده است. هیأت حاکمه آن، عبارتند از: ننی چند از اعضای پارلمان، اعضای مجلس قانونگذار و نماینده بانک و بخشهای پرنفوذ اتجم. DRDA اولین گام برای برنامه‌ریزی مؤثر و اجرای برنامه‌های IRD است.

■ تکنولوژی

با این که تکنولوژی پیشرفته، کلید افزایش بهره‌وری و درآمد بیشتر است، اما معرفی تکنولوژی نوین در نواحی روستایی کشورهای در حال توسعه (جهان سوم)، به منظور ارتقای تولیدات کشاورزی و غیر کشاورزی، هنوز جامعه عمل به خود ننویسیده است. مستلاً معرفی واریته‌های نوین، به عنوان یک تکنولوژی نوین، توسط بسیاری از کشاورزان خرده‌د، قابل استفاده نیست و علت اساسی آن، عدم توازن و تعادل در دسترسی آنان به منابع اعتباری و نهادی است.

برنامه‌های توسعه جامع روستایی^(۱۵)، وسیله‌ایست، برای معرفی بسته‌های تکنولوژی به فقرا نظیر: اعتبار، سواد آموزی حرفه‌ای، خدمات

- اطلاعات جامعه‌توری صحیح‌تری پیرامون نیازها، اولویتها و تواناییهای جامعه ملی ایجاد می‌شود و بازخورد معتبرتری در باره تلافی ابتکارات دولتی به دست می‌آید.

- برنامه‌هایی که در شرایط محلی طراحی می‌شوند، از منابع کمیاب یا کارایی بیشتری استفاده کنند.

سازمانهای محلی جهت کمک به تدارک و تأمین هزینه‌های عموم‌برای ترویج کشاورزی، وام‌های حمایت شده، بهداشت، رفاه و نظایر آن است.

- اطلاعات فن آوری (تکنولوژیکی) محلی را می‌توان به خوبی جمع‌آوری نمود، در غیر این صورت، با هزینه سنگینی تهیه خواهند شد.

- منابع محلی، می‌توانند تقویت شده باشد و حتی جایگزین منابع دولت مرکزی شود.

در این رهیافت، مشارکت کنندگان به طور فعال، ابتکارات و خلاقیت‌های خود را به منصفه ظهور می‌رسانند و در مراحل مختلف برنامه‌ریزی و اجراء،

می‌توانند نظارت و کنترل بر روند پیشرفت فعالیت‌ها داشته باشند. در حال حاضر، عقیده مشارکت فعال، که در آن مشارکت کنندگان صرفاً مجریان تفکرات و عقاید دیگران باشند و کنترل و نظارت نیز، به وسیله دیگران صورت گیرد، غیر قابل پذیرش است. (UN, Acc Tack foreon rural Dev. 1978). به هر حال، بدون در نظر گرفتن نقش مهم و اولویت بخشیدن آن در رهیافت IRD، از پایه و اساس تئوریک ضعیفی برخوردار است (حداقل در مدارک و اسناد). این سؤال هم چنان باقی است که، مشارکت واقعی تا چه اندازه در میان فقیرترین فقرا رخ می‌دهد؟

در فرآیندهای IRD، مشارکت مردمی در چهار مرحله امکان می‌پذیرد.

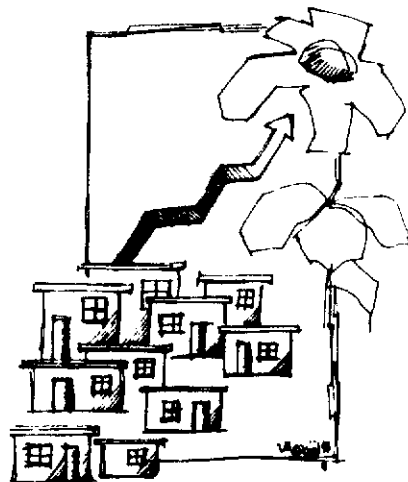
- برنامه‌ریزی

- اجراء

- سهم‌بری (تسهیم سود)

- ارزشیابی

بیشترین شکل مشارکت، در شکل تسهیم سود و کمترین مشارکت، در شکل ارزشیابی مشاهده شده است.



جدول ۲: هزینه‌های بخش عمومی روستایی در کشاورزی، فیلین ۸۷-۱۹۶۰

سال	هزینه‌های بخش عمومی در کشاورزی (میلیون، قیمت‌های سال ۱۹۷۲)	هزینه عمومی کشاورزی به عنوان درصدی از		سوگیری هزینه‌های دولتی
		ارزش افزوده خالص در کشاورزی	کل هزینه‌های دولتی	
1960	179	1.9	6.3	0.21
1961	182	1.8	6.1	0.20
1962	206	2.0	6.4	0.21
1963	355	3.2	9.9	0.33
1964	306	2.8	8.4	0.29
1965	265	2.2	7.3	0.24
1966	264	2.2	7.1	0.25
1967	296	2.4	7.2	0.26
1968	416	3.1	8.5	0.31
1969	435	3.2	8.3	0.30
1970	361	2.6	7.1	0.26
1971	452	3.1	8.5	0.31
1972	567	3.8	8.9	0.33
1973	767	4.9	9.0	0.35
1974	1,354	8.5	13.0	0.52
1975	1,135	6.7	9.9	0.40
1976	1,209	6.1	10.0	0.37
1977	1,312	6.4	11.6	0.44
1978	1,300	6.0	10.0	0.38
1979	1,703	7.5	12.7	0.49
1980	1,501	6.3	11.4	0.44
1981	1,636	6.6	10.8	0.42
1982	1,504	5.9	10.6	0.41
1983	1,325	5.3	9.6	0.38
1984	810	3.2	7.3	0.27
1985	747	2.8	6.2	0.21
1986	848	3.1	5.4	0.18
1987	1,238	4.4	7.4	0.26
Average				
1960 - 86	793.9	4.2	8.8	0.32
1960 - 70	296.8	2.5	7.5	0.26
1970 - 80	1,060.1	5.6	10.2	0.39
1980 - 86	1,195.9	4.7	8.8	0.33

ترویجی و وسایل مورد نیاز، جهت دستیابی به بازار مناسب. در یک توسعه جامع چند بخشی روستایی، هدف از پذیرش تکنولوژی در واقع اجرای هدف است تا توزیع و نشر متعادل و متوازن آن. در یک توسعه جامع روستایی مخاطب مدار ۱۹۸۱ اولین اولویت، قادر ساختن فقرا در دسترس به تکنولوژیهای زراعی و غیر زراعی است که پس از این، بدان دسترس کمی داشته باشد. (Hijc 1989)

یک ارزیابی و اجرا

تاکنون، موانع توسعه جامع روستایی، نسبت به کاهش نابرابریهای درون تمدنی و میان طبقاتی به خوبی واضح نبوده است. نمودار ۲ طرح توزیع درآمد کشور در حال توسعه را بررسی می‌کند. شلیس، مالزی، سدان می‌دهد که بر اساس گزارشهای توسعه جهانی محاسبه شده است. بدینسان، داده‌های دیگر کشورهای در حال توسعه، اساساً موجود نبود. اما تجربه سری لانکا، مقایسه با دیگر کشورهای در حال توسعه، نسبت به توسعه جامع روستا عملکرد بهتری داشته، ولی طرح توزیع درآمد در این کشور، طی دوره ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۸، گویای آن است که نابرابریهای درآمدی آن به چشم خود دیده شد.

همچنین در مورد فلیس، اشاره به بررسی اسکاتلند، مگر این واقعیت که سهم درآمد ۲۰ درصد بالای گروه به و توزیع کرده شده است. در مالزی، مقایسه فقط بر روی سه سال، بین سالهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۳ صورت گرفت. طرح توزیع درآمد در طی دوره روستایی را نشان می‌دهد.

سازگاری و انجمن، نسبت به دست نشان دهند، اما توسعه جامع روستایی به طور مشخص، به دیگر اهداف مورد نظر، نظیر افزایش روستایی، رفیع نابرابریهای درون و بین منطقه‌ای، ایجاد فرصتهای اشتغال و از این قبیل، دست یافته است تا اخیر، دلیل آن نیز، معلوم بودن وضعیت درآمدی از مسکنات و عملیات معدنی است. مورد اول می‌باشد:

در توسعه جامع روستایی، محدود نمودن ناخدا، هدف یا مرکز برقراری نمی‌تواند، ضمانت ضروری بران باشد که عوامل IRD مؤثرترین فقیر در داخل

منطقه تملق گیرد.

۲- IRD مخاطب مدار، مواجه با مشکل عدم توفیق در دو هدف، پشتیبانی و حمایت از فقیرترین فقرا و بالا بردن درصد معینی از جمعیت در بالای خط فقر بودند. در واقع، ارتقای فقرا به بالاتر از خط فقر، نیازمند مقدار سرمایه گذاری زیادتری برای هر خانوار، بیشتر از آنچه که عملاً اجرا می‌شد، بود و این امر باعث بروز مشکلاتی در اجرا می‌شد.

۳- این رهیافت، همچنان متأثر از نفوذ گروه‌های پر قدرت محلی بود.

۴- رهیافت IRD در سطوح محلی، فاقد کارگرانی آموزش دیده و برخوردار از انگیزه کافی بود.

۵- نظام مدیریت متمرکز در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، مترادف تصمیم‌گیری بالا به پایین بوده و خود به خود، منجر به کاهش سطح مشارکت فقرای روستایی می‌شده است.

عمرک سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در پروژه‌های IRD، کمتر از آن بود که باعث تحقق اهداف تعیین شده، شود.

■ به سمت استراتژی‌های نوین (درس‌هایی از تاریخ)

مروری بر سه رهیافت توسعه روستایی، ما را به سمت خطوط اصلی در ساختار استراتژی‌های آینده هدایت می‌نماید. بنابر قاعده کلی، انتظار داریم که استراتژی‌های توسعه روستایی که به خوبی طراحی شده‌اند، موفقیت‌هایی نیز به دنبال داشته باشند. اما در واقع، بدون حمایت‌های مختلفی، از قبیل: حمایت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و همچنین بدون در نظر گرفتن چندین ملاحظات مهم دیگری که باید بهنگام اجرای استراتژی‌های توسعه روستایی در آینده مد نظر قرار گیرند، به اهداف خود نایل نخواهند شد.

اصلاحات ارضی یک پیش شرط ضروری برای هرگونه تلاش در توسعه روستایی در بیشتر کشورهای در حال توسعه در آسیا، به حساب آمده و در اغلب موارد با موفقیت نیز مواجه شده است. تقریباً تمام موارد نقص و کاستیها و با عدم توفیق در اهداف رهیافت‌های عمران اجتماعی (CD)، انقلاب سبز (GR) و توسعه جامع روستا IRD، مربوط به توزیع نابرابر زمین و

تعمیرناپذیری مسترکین بوده است.

وابستگی کشاورزان خرده‌ها و کوچک به اراضی خویش، معلول: نخست رفاه مادی و دوم (مهمتر) ایجاد حس خودکفایی، خوداتکائی و رهایی از اجبار و اضطرار است. بدون توجه به این امر، برنامه‌های توسعه روستایی، نمی‌تواند به آسانی کشاورزان خرده‌ها را نیروتمندتر نماید. یک نقش قوی و تصمیم‌گیری قاطع در خصوص این قبیل مسائل بهتر است از: چندین برنامه توسعه روستایی که صرفاً به ارائه وعده‌های بی‌اساس در فقرزدایی روستایی اکتفا می‌نماید.

اصلاحات ارضی، بسته به شرایط داخلی هر کشور در اسکال مختلفی می‌تواند اجرا شود (Tudaro 1989).

به عنوان مثال، انتقال اراضی ایالت بزرگ به کشاورزان خرده‌ها در مکزیکو، متناسب ساختن ایالات بزرگ برای تأسیس سکونتگاه‌های نوین در کنیا، انتقال دارایی‌های بزرگ خصوصی و اراضی ایالتی به کشاورزان خرده‌ها یا تعاونی‌های کشاورزان در جمهوری خلق چین و مالزی، بدون توجه به انواع اصلاحات ارضی، یک اصل را باید همیشه مد نظر داشت و آن این است که، زمین متعلق به کشاورز است. (Land To the tillers)

■ سوگیری هزینه عمومی

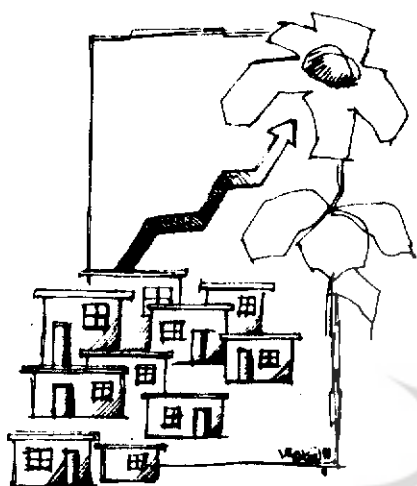
ساخس مفیدی که بتوان، سوگیری هزینه دولتی را تعیین نمود، نسبت ذیل است:

سهم هزینه‌های دولتی مربوط به کشاورزی در تمام هزینه‌های دولتی

سهم برون‌داد کشاورزی در تولید خالص داخلی

(Tolenito 1989)

نسبت یک به یک، تلویحاً مبین آن است که دولت، نگرش و ایستاری بی‌طرفانه، البته با گرایش به سمت تخصیص بودجه به منابع مالی عمومی رای می‌پذیرد. نسبت کمتر از یک، وضعیت شدیدتر سوگیری هزینه‌های عمومی در مقابل کشاورزی را نشان می‌دهد. مثالی از این سوگیری در جدول «ش ۲» نشان داده شده است. نسبت بدست آمده، حاکی از یک



سوگیری مزمین در بخش عمومی علیه کشاورزی، در چند دهه اخیر، در کشور فیلیپین می‌باشد. که به ویژه در طی دهه ۱۹۸۰، تقویت شده است.

مادامی که داده‌های هزینه‌های عمومی برای دیگر کشورهای آسیایی در دسترس نیست (موجود نیست)، پذیرش گسترده استراتژی ابتدا رشد^(۱) تمایلی غالب وفاق در سوگیری هزینه‌های عمومی علیه بخش روستایی را نشان می‌دهد.

اولین مرحله در ایجاد تحول، تغییر نگرش مطالعات اقتصادی کشوری در رهیافت IRD به سیاست‌های اقتصادی کلان و ترجیح آن بر مطالعات ضعیف و متمرکز در اثر بخشی IRD در داخل بخش‌های روستایی می‌باشد. واقعیت این است که منابع و امکانات جاری در رهیافت IRD، همواره به طور نامتوازی توزیع شده است. لذا، دستیابی به اهداف نیز، در بیشترین موارد نابرابر بوده است. به طور مثال، کل تخصیص مالی دولت هند، برای IRD، در حدود ۱/۹ درصد کل بودجه برنامه هفتم بوده است (۹۰ - ۱۹۵۸). که این خود گویای مقدار ناچیز آن است. (Mukhopadhyay 1989)

■ سوگیری سازمانی

ساختار مدیریتی متمرکز در آسیا، انعطاف‌پذیری فعالیت‌های برنامه‌ها را هم در CD و هم در IRD محدود کرده است، گرایش به سمت محدود ساختن گروه‌های بهره‌برداران در برنامه‌ریزی، طراحی و اجرا.



منبع مقاله

Improving Quality of life in Rural Area = In Asia and the pacific

پانوشته:

- 1) Community Development.
- 2) Green revolution.
- 3) Integreated Rural Development Program me.
- 4) Unsupportire Environment.
- 5) Community Development Approach.
- 6) Effective ness.
- 7) Effeciency.
- 8) ImPortance.
- 9) Presidential Assistant on CDpact.
- 10) Bureau of CD.
- 11) Internat Rice research Institute (IRRI).
- 12)
- 15) Tambon Council
- 16) District Kural Develepment Agenay.
- 13) Non Gorement Organisation
- 14) NGC Proshika
- 17) paekaye of Technology
- 18) Tatget group orientiel.

به ویژه برای فقر است. یک دلیل آن، قوانین و مقررات مربوط به جذب و اخذ حمایت‌های مختلف توسط فقر به سختی انجام می‌پذیرد. آمیختگی روسپهای اجرایی مختلف، مشکلات اداری و بروکراسی، و آنچه تاکنون مشاهده شده است، تماماً منجر به تأخیر در اجرای برنامه می‌شود. به عنوان مثال، کار دفتری، گزارش نویسی‌های افراطی در سطوح میانی و بروکراسی در بسیاری از برنامه‌های عمران اجتماعی و IRD در آسیا گزارش شده است. بیشتر مشکلات، ناسی از فقدان کارگران میدانی مجرب و آموزش دیده می‌باشد. چنین کارگرانی، معمولاً فاقد مزد کافی هستند و بیشترین کارهای سخت را برعهده دارند. این موارد را بخوبی می‌توان در پاکستان مشاهده نمود (Mukhopadhyay 1989). برای غلبه بر این مشکل، مدیریت باید مقیاس حقوقی کارگران را برحسب موقعیت آنان در سلسله مراتب اداری تنظیم نماید. [حقوق بالاتر برای کارگران بایستتر]. زائنها این نوع برنامه را، در نظام ترویج کشاورزی از سال ۱۹۸۳ پذیرفتند.

تحقیق و ترویج

مؤسسه بین‌المللی تحقیقات سیاسی غذا (IFPHI) در گزارشهای خود رشدی معادل با ۱۰ درصد افزایش در سرمایه‌گذاریهای عمومی در کشاورزی نسبت به کل سرمایه‌گذاری، حدود ۹ درصد افزایش در تولید خالص ملی و ۲۶ درصد افزایش درآمد واقعی کشاورزان خرده‌پا را نشان داده است. عملکرد سرمایه‌گذاریها، خصوصاً در بخش تحقیقات، رشدی معادل ۸۶ درصد داشته است. متأسفانه هزینه‌های عمومی در تحقیقات بسیاری از کشورهای آسیایی بسیار پایین بوده است. اثر بخشی ترکیب فشرده تحقیق و ترویج کشاورزی، به خوبی در فرآیند انقلاب سبز مشاهده می‌شود. آنچه که فقدان آن در IRD و CD به چشم می‌خورد، احتمالاً همین عامل است. در برنامه CD فرض بر این بود که تکنولوژی کافی همواره موجود است که خود به عنوان یک نقیصه، موجب کاستیها در بسیاری از فعالیتهای عمران اجتماعی شد.

همچنین اگر برنامه‌های IRD قصد استمرار در سودرسانی به فقرا را در آینده دارند، باید به طور جدی تری نسبت به عامل ایجاد درآمد نسبت به اوائل

فعالان افاده نمایند. این امر، با معرفی بسته‌های تکنولوژی، به عنوان عامل افزایش تولیدات کشاورزی امکان‌پذیر خواهد بود. در این فرآیند، تحقیق روستایی (به الزام کشاورزی) متمرکز در سربط معین و ترکیب شده با کار ترویجی مناسب، ضروری و الزامی است. یک مورد در کره، به عنوان موفقیت در ترکیب تحقیق و ترویج در برنامه‌های IRD مکتوب شده است. (Kim and Cho, 1989).

نتیجه‌گیری

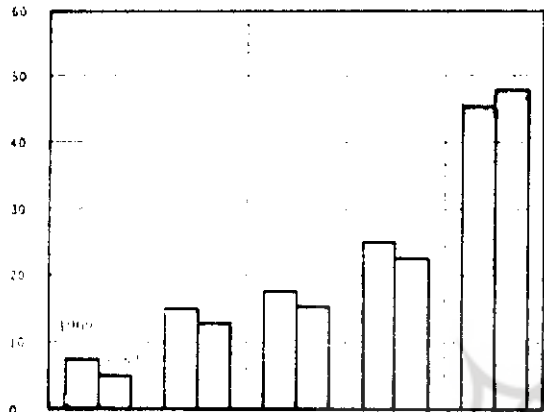
در هر صورت، ممکن است برنامه‌های IRD، GR و CD در گذشته به خوبی تصویر شده باشند، اما موفقیت آن هیچ ضمانتی نداشته است. حتی اگر عقاید نوین مبتنی بر معرفی بسته‌های تکنولوژی وعده‌هایی را مطرح نماید، این نکته را باید دانست که در محیطی به کار گرفته شوند که از انواع حمایتها برخوردار باشند. اصلاحات اراضی به عنوان یک سیاست اقتصادی بدون جهت (بدون سوگیری) و با گرایش به سمت بخش روستایی، تسهیلات اداری غیرمتمرکز و انعطاف‌پذیر، ارتباط مستمر، مستقیم و فشرده تحقیقات با ترویج کشاورزی مبتنی بر حل مسأله، شرایط ضروری برای اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های توسعه روستایی در آسیا هستند. تمامی این موارد، متضمن تعهدات سیاسی به اندازه سمی و تلاشهای انجام شده توسط نمایندگان دی‌ریست هستند.

چنانچه این ضروریات و بیش‌نیازها را نتوان مهیا نمود، باید به همین سطح از موفقیت در برنامه‌های توسعه اکتفا کنیم. تجربه چهاردهه توسعه روستایی، آشکارا پیشنهاد می‌نماید که کلید حل مشکلات در بالایش نئوریها نیست، بلکه در تغییر و تحول محیط بی‌حمایت بوسیله رفتار آگاهانه در م روستا و هم بوسیله تقویت خط‌مشی‌های سیاسی مطلوب نسبت به توسعه روستایی، است.

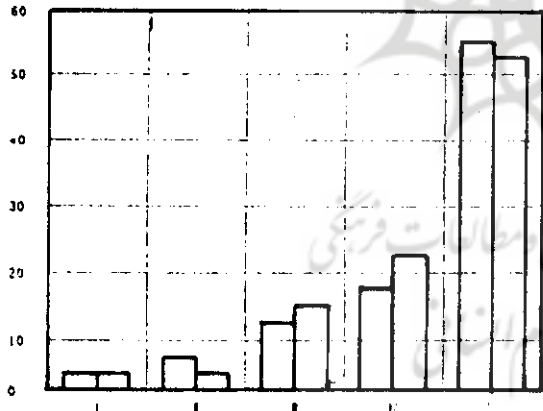
تغییرات طرح توزیع درآمد در میان سه کشور در حال توسعه

درصد درآمد

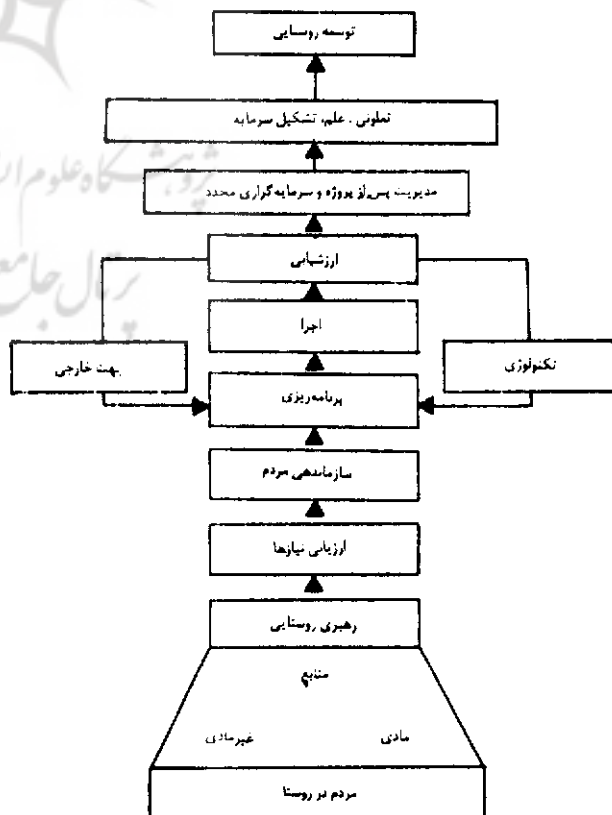
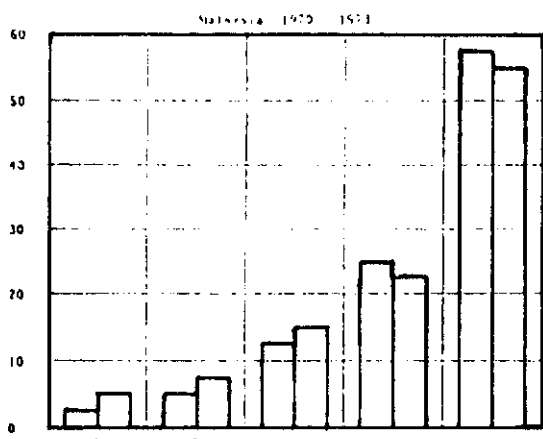
سری لانکا ۸۰۰ - ۱۹۶۹



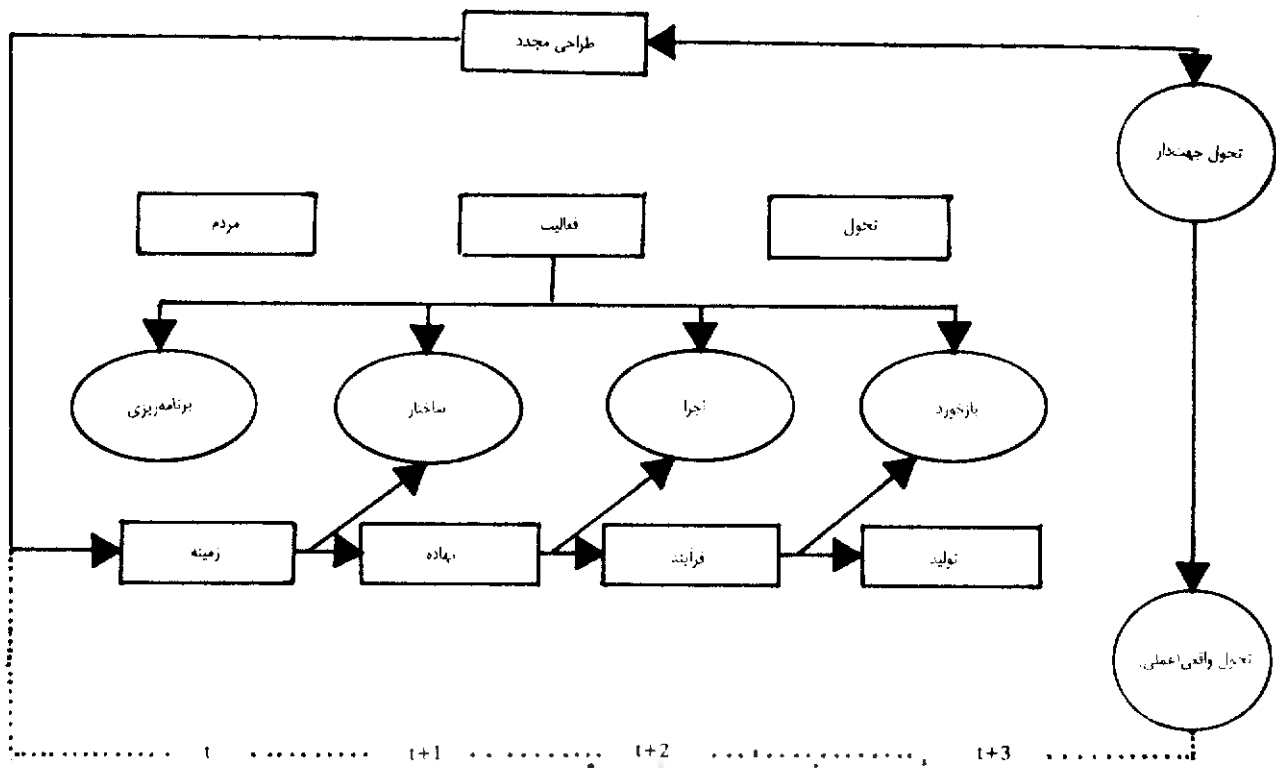
فیلیپین ۱۹۷۰ - ۱۹۸۵



مالزی ۱۹۷۰ - ۱۹۷۳



شکل ۱: مراحل پروژه CD در سطح روستا



Source: Boyle, P.G. 1981
 شکل شماره ۲ مدل بازخوردی در ره‌یافت

نمودار (۴) توزیع درآمد ژاپن ۱۹۵۵ - ۱۹۷۹

Figure 4. Income Distribution of Japan 1955 - 1979

درصد درآمد

